

## حقوق جزائی

به‌دفعه وارد ساخته و آنرا قربانی قصد و اراده خویش کرده است و کسیکه هدف و مقصودی نداشته و بلکه اتفاق و تصادف ایجاد پیش آمد جرم را نموده است و حقاً نباید مجازات این دو مرتکب بیک نواخت و یک‌گونه باشد این فلسفه اخلاقی ایجاب کرد که دانشمندان جرم را از لحاظ قصد بدو نوع مقصود و غیر مقصود تقسیم کرده اند .

برای جرم غیر مقصود افراد و مصادیق بسیار است و محض نمونه و تشریح ذهن و جلوه دادن منظور امثله چند را هر چند که تکرار است می‌نگاریم تا بخوبی مقصود روشن گردد .

۱ - قتل خطا که مرتکب بتصور آنکه هدف حیوان قابل صید است بدون رعایت محل و توجه بذهاب و ایاب عمومی تیر اندازی نموده و به آدمی اصابت کند در اینصورت مرتکب بواسطه بی‌احتیاطی مجرم تشخیص می‌گردد هر چند که نیت و قصد قتل آدمی نداشته است .

۲ - هر گاه مستخدمیکه موظف بحفظ اوراق و نوشتجات بوده و در نتیجه اهمال او در حفظ و حراست آنها اوراق بسرقت رفته و ربوده شده است شکمی نیست که اهمال موظف در این مورد جرم بشمار می‌آید ولو آنکه قصد تضییع و از بین بردن اوراق را نداشته است .

۳ - در صورتیکه راننده وسیله نقل از قبیل اتومبیل و غیر آن در موقع راندن بی‌احتیاطی و اهمال کرده بدینمعنی که فزون تر از حد معین و مقرر براند و یا بیش از قوه مسافر و اسباب حمل کرده و یا بدون تکمیل اسباب و لوازم وسیله را حرکت دهد و یا از مسیریکه معین شده خارج شود و یا باخطارهای رسمی پاسبان برای توقف واقعی نگذارد و در نتیجه کسی را مقتول و مجروح سازد تردیدی نیست که مرتکب مجرم تشخیص هر چند که قصد ارتکاب جرم در بین نبوده است .

### جرم مقصود و غیر مقصود

و یا آنکه زیان گناه متعلق قصد شده و گناه نمیشود

جرم مقصود آنست که مرتکب در حین عمل قصد و نیت ارتکاب جرم داشته باشد مثل سرقت و خیانت در امانت و کلاه برداری و قتل و انواع جنحه و جنایت که اراده مجرم از ابتداء برای انجام آن تکوین شده و بر اثر اراده عضلات خویش را بکار زار جرم حرکت داده جرایم مزبوره را انجام داده است این نوع از جرم را در اصطلاح دانشمندان حقوق جزائی بجرم مقصود معرفی و تعبیر بجرم عمدی نیز میشود .

جرم غیر مقصود عبارت از عملی است که مرتکب قصد و نیت ارتکاب آنرا نداشته و بواسطه بی‌احتیاطی و یا بی‌مبالائی که می‌بایست امور را انجام داده و خودداری کرده است جرم واقع میشود مثل قتل و جرح و فرار زندانی از زندان که بسبب بی‌احتیاطی و بی‌مبالائی و یا افعال زندان بان و تیر انداز و راننده وسیله نقلیه حادث می‌گردد و از این قبیل است بسیاری از جرائم اخلاقی که تابع قصد و اراده خود جرم نیست و تحقق نفس عمل جرم محسوب و قابل مجازات است هر چند که از روی قصد بوجود نیاید .

تقسیم جرم بمقصود و غیر مقصود و تفاوت مجازات این دو نوع از نقطه نظر حکومت اخلاق و تأثیر زوخیات مجرم است در تناسب مجازات چه همانطور که تشخیص جرم و بنا و ساختمان مجازات بر روی پایه و اساس زیان گذاشته شده و هیچ عملی جرم شناخته نمیشود مگر آنکه زیان آور باشد قصد زیان و نیت جرم موجب تشدید مجازات خواهد بود و بعبارت دیگر قصد و اراده مجرم برای وارد ساختن زیان کاشف است از حالت تجری و جسارت وی و فرق است بین کسیکه زیان را از روی قصد

جلوه نموده و در آمد ما میشود زیرا هر جرمی که مادی معرفی یعنی زیان در نظر قانون گذار جزء ارکان جرم شناخته شده در صورتیکه بعد از وقوع زیان نیآورده یا مقصود مرتکب حاصل نشده است شروع بجرم محسوب خواهد بود نه جرم اصلی.

### جرم باعتبار تعدد آن

مقصود از جرم متعدد عمل متعدیست که هر يك جداگانه موجب زیان و قانون آنرا جرم متعدد شناخته بدون آنکه حکم قطعی در خصوص یکی از آنها داده شده باشد و این بر دو نوع است:

اول - در صورتیکه جرم ناشی از عوامل متعدده اجرائی است مثل سرقت و جرح و قتل که عوامل و سبب جرم در هر يك جداگانه میباشد.

دوم - جرم متعددی که از يك علت و یگانه عامل اجرائی بوجود آید مثل آنکه شخص آلت قتاله را به هدف روانه نموده و در نتیجه اصابت آن به هدف دیگری مجروح گردد در اینصورت قتل و جرح ناشی از یک عمل و یگانه علت اجرائیست و نظر بانکه ممکن است در بعضی از مواقع اشتباهی در حقیقت و ماهیت تعدد جرم رخ بدهد امثله و فروع چندی را ذکر میکنیم تا بخوبی واضح و روشن گردد که منظور از تعدد چیست.

۱ - جرم عادت که داخل در جرم متعدد بشمار نیاید چه آنکه زیان در تکرار عمل تشخیص و قانون از همین لحاظ مجموع اعمال متعدده را يك جرم معرفی نموده بنا براین نمیتوان آنها را جرم متعدد دانست.

۲ - در موردیکه قانون عمل متعدد را هر يك جداگانه جرم تشخیص داده و مجموع آنها را نیز جرم شناخته که در نتیجه نوع و درجه جنحه بدرجه جنائی تبدیل میگردد مثل جرم مذکور در ماده ۲۲۴ قانون مجازات عمومی و یا مخصوصاً مجازات را تشدید میکند بدون آنکه نوع و درجه تغییر نماید مانند جرائم مذکوره در ماده ۲۲۶ قانون مجازات عمومی.

۴ - اگر ملازمان و پاسبانانی که مأمور و مراقب زندانی هستند مراقبت کامل نمایند که بواسطه سهل انگاری آنان زندانی موفق بفرار از زندان گردد ملازم و پاسبان مجرم بشمار می آید ولو آنکه قاصد ارتکاب نبودند اینها هر يك جرائم غیر مقصودیست که در مجازات با جرائم مقصوده و مجرمین که در موقع ارتکاب قصد و اراده جرم کرده اند تفاوت خواهد داشت.

### جرم مادی و غیر مادی

#### یا تشخیص جرم باعتبار نتایج آن

جرم از لحاظ نتیجه آن که زیان و یا منظور و قصد مرتکب باشد بر دو نوع است.

اول - جرم مادی و آن در صورتیست که قانون وقوع زیان فعلی را بر اثر رخ دادن عمل رکن جرم تشخیص داده باشد مثل قتل و سرقت و کلاه برداری و نظایر آنها که بعد از سپری شدن عمر جرم بدون فاصله و در حال زیان در هدف وارد کرده و آنرا قربانی عمل مرتکب مینماید اینگونه جرم در عرف دانشمندان حقوق جزائی معروف بجرم مادی است یعنی عوامل اجرائی جرم بدون انتظار ایجاد زیان کرده و یا منظور اصلی مرتکب حاصل شده است.

دوم - جرم غیر مادی که قانون زیان فعلی را پس از خاتمه یافتن عوامل اجرائی جرم رکن قانونی جرم معرفی نکرده و فقط از نقطه نظر آنکه جزء اسباب و مقتضیات زیان می باشد و ممکن است در آینده زیان به هدف وارد سازد عمل را جرم شناخته است مثل جعل اوراق و سکه قلب زدن که مادام مسکوک قلب مورد معامله و مبادله نشده و نوشته مجهول بموقع استفاده گذاشته نشده است زیانی در بین و حال نیست و منتها تکوین و ایجاد مقتضی است که ممکن است در آینده هدف را قربانی زیان نماید - راه تشخیص آنکه جرم مادیست یا غیر مادی منحصر بقانون خواهد بود که فعلیت زیانرا جزء ارکان جرم معرفی نموده و یا امکان آنرا جزء عناصر جرم تشخیص داده است.

نمره تقسیم جرم بمادی و غیر مادی در شروع بجرم

### آراء و عقاید دانشمندان حقوق جزائی

در این موضوع مختلف و هر دسته بیک سوی رفته است و بعقیده نگارنده نتوانسته اند مجازات جرم متعدد را کاملاً با فلسفه و اصول حقوق جزائی حل نمایند.

عقیده جمعی از دانشمندان بر آنست که برای هر جرمی مجازات در قانون تعیین شده است در این صورت اگر جرم متعدد شد بایستی حکم به مجازات هم متعدد داده و تمام احکام را به موقع اجراء گذاشت چه آن که عدالت مطلق اجازه نمی دهد که یک جرم را در نظر گرفته و برای بقیه جرائم مجازات تعیین نشود در صورتی که به موجب قانون مرتکب آنها جدا گانه قابل مجازات است.

عده بر این عقیده هستند که باید در مجازات تداخل نمود یعنی اگر جرم متعدد شد جایز نیست که به جرم مجازات متعدد داد و باید مجازات اشد را در نظر گرفته و از جرائمی که اخف است صرف نظر کرد بعضی معتقد بنفصیل شده و فرق بین خلاف و جنحه و جنایت گذاشته و میگویند که در خلاف و جنحه نباید تداخل کرد و اشکالی نیست که برای هر جرمی مجازات جدا گانه تعیین کرده و در حدود مخصوص اجراء نمود ولی در جنایات لازم است تداخل و توجه به مجازات اشد نمود مشروط به آنکه از حد اکثر تجاوز ننماید تا آنکه جرم بدون مجازات نمانده باشد و اگر بخواهیم در جنایات تداخل بکار نبریم و از جهت هر جرمی مجازات معین کرده و اجرا نماییم مخالف عدل و انصاف و وجدان است زیرا اطوار مجازات در جنایات شدید و تحمل مجازات متعدد و شدید طاقت فرسا است برعکس مجازات جنحه و خلاف چه از حیث ماهیت و چه از حیث زیان و تبعات و آثار وضعیه آن قابل تحمل است اینست آراء و عقاید دانشمندان بطور خلاصه ولی مبنای این آراء و طرز استدلال فقط احساسات است نه فلسفه و منطق حقوقی بنابراین وارد در حل مسئله شده شاید توانستیم عقیده که مبتنی بر منطق و فلسفه باشد بدهیم.

در اینگونه مواقع هر چند ممکن است اعمال متعدده هر کدام جدا گانه در قانون جرم محسوب گردد ولی مجموع آنها یعنی سرقت با آن کیفیات و ارکان مخصوص جمعاً یک جرم تشخیص شده است و نمیتوان این قسم از جرائم را داخل در جرائم متعدد دانست.

۳ - مجموع یک نواخت و یک سنخ اعمال متعددی که برای یک منظور انجام می گردد مثل آنکه مرتکب در آن واحد و بی در پی شخص را برای آزار بزند و یا آنکه سارق وارد در حرز شده و بتدریج مشغول سرقت و بردن مال از حرز است این گونه اعمال هر چند در ابتداء متعدد بنظر میاید ولی یک عمل محسوب گردیده و داخل در جرم متعدد نیست.

۴ - جرم مستمر یعنی جرمی که عوامل جزائی آن مدتی از وقت را اشغال کرده و پایان جرم در صبری شدن آخرین عامل اجرائی جرم است مثل حبس و توقیف و حجر غیر قانونی این قسم از جرائم داخل در جرائم متعدد نخواهد بود چه آنکه هر جزء از اجزاء عمل جرم جدا گانه نیست و مشخصات و جودی جرم موقعی تکمیل میگردد که علت تامه اخیر جرم عرض اندام نماید و خلاصه جرم متعدد عبارت از عمل متعددیست که هر کدام جدا گانه موجب زیان و قانون آن هارا یکان یکان جرم مستقل تشخیص بدون آنکه حکم قطعی قبل از موجودیت تعدد داده شده باشد.

حال که فهمیدیم حقیقت و ماهیت جرم متعدد چیست لازم است نمره این تقسیم را درک کنیم که چه فلسفه دانشمندان حقوق را بدین تقسیم متوجه کرده و بحث طولانی برای این امر تأسیس و باز کردند.

### نمره تشخیص جرم متعدد

نمره عمده همانا در مجازات ظاهر گردیده و در آمد ما میشود که می فهمیم اگر جرم متعدد بوقوع پیوست مجرم چگونه به مجازات میرسد.

## عقیده نگارنده

در مقدمه بطور مشروح و مفصل گفته و ثابت کردیم که بنا و اساس مجازات و دخالت جامعه در آن بر روی دو پایه اصل سود و زیان گذاشته شده و هر فردی از افراد بشر طرفدار جلب و دفع این دو اصل است نهایت مدتی تشخیص نمیداد که سود و زیانش در سود و زیان جامعه است تا آنکه اخیراً احساس کرد سود و زیان وی با سود و زیان جامعه توأم و قانونی لازم است که توازن را حفظ نماید و چون قانون عرض اندام نموده بر خورد که قانون هم یک شر دیگر است که بمثل جرم زیان آور و ناچار باید بین این دوش موازنه و سنجش کرده و نتیجه تعدیل را بموقع اجراء گذاشت چنانکه یکی از دانشمندان و فلاسفه بزرگ میگوید قانون شریست که از داشتن آن ناچارم چه همانطور که مرتکب جرم دیگری را هدف زیان قرار داده و او را قربانی می کنند قانون نیز مجرم را هدف زیان مینماید حال که فهمیدیم قانون شر و باید زیان آنرا با زیان جرم سنجش و موازنه نمود و رعایت موازنه پایه و مبنای تمام مسائل و اندیشه های جزائی و بر قانون گذار است که در تمام موارد آن رعایت کند موضوع تعدد جرم را با ناموس توازن تطبیق کرده و سنجش را بکار می بریم تا حقیقت در نظر جلوه کرده و بباییم که مجازات جرم متعدد چگونه و بچه کیفیت است .

تردید نیست که جرم متعدد بمعنائیکه گفته شد هر یک عمل جداگانه است که جداگانه زیان آور و چنانچه یک جرم حادث شد یک زیان و اگر دو جرم رخ داد و زیان ایجاد میگردد و در بادی نظر هم این نکته جلوه میکند که چون مجرم زیان متعدد وارد ساخته می بایست بزبان مجازات متعدد برسد ولی این اندیشه ناشی است از احساسات انتقام و انصراف توجه و فکر از قاعده تعدیلی که نتیجه موازنه و سنجش بین زیانها در آمد ما می شود زیرا که در اغلب موارد تعدد جرم تقصیر و یا قصور از کارکنان

جامعه است که بعد از ارتکاب جرم اول نتوانسته اند گناه مجرم را کشف و بمجازاتش برسانند که شاید بر اثر مجازات اصلاح و تأدیب گردیده و دیگر مرتکب جرم نمی شد که در حقیقت با این فرض میتوان تصدیق کرد زیان دوم را جامعه بواسطه بی کفایتی خود وارد کرده است و با آنکه منظور اساسی از مجازات مجرم تنها جبران زیانیکه بهدفع وارد نموده نیست و بلکه غرض مهم اساسی اصلاح اخلاق مجرم است که زیان را تکرار ننماید و در این مورد اگر مجرم را در نخستین مرتبه بمجازات می رسید شاید نتیجه منظوره حاصل می گردید و با توجه بانکه ممکن است در بسیاری از مواقع اجراء مجازات متعدد تمام و یا قسمت مهم از دوره زندگانی و عمر مجرم را اشغال نماید که این زیان در ترازی سنجش سنگین تر از زیانی است که بهدفع وارد آورده است اجراء دو مجازات او توازن خارج و برخلاف تعدیل و سنجشی خواهد بود که ما آنرا فلسفه و پایه اصلی بناء مجازات قرار داده ایم ولی از طرفی هم جایز نیست که بمجازات یک جرم قناعت نموده و جرم دیگر را از دام مجازات رهایی داد زیرا اگر مجرم احساس کرد که در جرم متعدد یک مجازات بیش نیست بر جسارت و تهور خود افزوده و پیوسته مرتکب جرائم بی شمار می گردد پس حکومت تعدیل که نتیجه موازنه و سنجش بین زیانها است ما را با اجراء مجازات اشد راهنمایی مینماید بدون فرق بین آنکه جرم در درجه خلاف و جنحه و یا از نوع جنایت باشد گذشته از این چنانچه با عقیده و رأی بلزوم اجراء مجازات متعدد از لحاظ تعدد زیان موافقت کنیم باشکالات دیگری مواجه شده و در تنگه غریبی خواهیم افتاد که از جمله قابل مجازات نبودن تمام جرائم متعدده است در بعضی از موارد بدین شرح که گاه مجازات تمام جرائم متعدده حبس مؤبد و یا اعدام و یا یکی حبس مؤبد و دیگری اعدام خواهد بود .